

مطالعه ای در خصوص پوشاک محلی گیلان و تحول آن در طراحی پوشاک معاصر

علی محمودی عالمی^۱، نرجس جعفری^۲

^۱استادیار گروه هنر، دانشگاه غیرانتفاعی مارلیک، نوشهر، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲کارشناسی ارشد، گروه طراحی پوشاک، دانشگاه غیرانتفاعی مارلیک، نوشهر، مازندران، ایران.

چکیده

یکی از نشانه های فرهنگی در مناطق مختلف دنیا لباس های محلی است. به اعتقاد کارشناسان، پوشاک بارزترین سمبل فرهنگی، مهمترین و مشخص ترین مظهر قومی و نشانه فرهنگی است که به سرعت تحت تأثیر پدیده های فرهنگ پذیری در میان جوامع گوناگون انسانی قرار می گیرد. بنابراین آنچه از معنای مد در جامعه ماباید مد نظر قرارگیرد، مدی است که طراحی لباس داشته باشد، آن هم براساس فرهنگ غنی ایرانی امروزه. در این تحقیق تلاش شده است تا علاوه بر شناساندن اقوام گیلانی و نوع پوشاک محلی مردم آن به باز آفرینی این پوشاک در طراحی لباس معاصر پرداخته شود. بر این اساس، انواع طرح ها، تنوع رنگ ها در البسه محلی مناطق مختلف گیلان، بررسی و شناسایی گردید تا با توجه به چگونگی تناسب آن ها در امروزی کردن لباس اجتماع بانوان به کار گرفته شود. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی بوده از روش های کتابخانه ای و میدانی و نیز از پژوهش هایی که در حوزه مطالعات اقوام شمال ایران در محدوده استان گیلان انجام گرفته مورد رجوع و استفاده قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: لباس محلی، گیلان، میراث فرهنگی، پوشاک معاصر، هویت ملی، طراحی لباس.

۱. مقدمه

پوشاک در فرهنگ اصیل ایرانی از تنوع بسیار زیادی برخوردار است. سابقه این فرهنگ غنی را باید در سنت های پوشش مردم مناطق مختلف جستجو کرد. لباس های سنتی به دلیل تنوع وزیبایی خاصشان می توانند منبع قابل توجهی از الهام برای طراحان و هنرمندان باشند و حفظ آن ها به عنوان بخشی از میراث فرهنگی یک کشور، سبب افزایش اعتماد به نفس ملی و جلوگیری از بی هویتی نسل جوان می گردد. در واقع ارتباطات میان فردی، بخش عمده تبادل اطلاعات، با ارتباط غیر کلامی انجام می شود، به طوری که تخمین زده می شود، در هر خورد دو نفره معمولی یک سوم معانی اجتماعی از مولفه های کلامی و دو سوم دیگر از کانال غیر کلامی منتقل می شود.

انتخاب لباس مانند انتخاب واژه ها به عهده فرد است افراد باید مسئولیت هر دو را در عرصه عمومی بر عهده گیرند و عواقب ایجاد هر نوع سوء تفاهمی را نیز بپذیرند. بنابراین اگر افراد با دیگران ارتباط موثر داشته باشند، نمی توانند به گونه ای رفتار کنند که گویی آنچه پوشیده اند بخشی از پیام های ارسالی آن ها نیست. چرا که دیگران همواره بر مبنای ظواهر و انتخاب های افراد قضاوت می کنند. پوشش در هر جامعه، بارزترین عنصر و نماد فرهنگ و ارزش های آن جامعه است. تاریخ نشان داده که ایران دارای فرهنگ و هنری غنی و پر بار از گذشته تا امروز می باشد و لازم است برای آراستن و احیای مجدد ارزش های ملی و قومی نهفته اما حاکم در هنر و فرهنگ ایرانی، آن ها را دوباره در زندگی امروز به کار گیرد. (شفا، ۱۳۹۷)

یکی از نشانه های فرهنگی در مناطق مختلف جهان و ایران، لباس های محلی است. این لباس ها با توجه به آب و هوای مناطق از تنوع رنگ و شکل برخوردار بوده و از گذشته های دور دارای پوشش کامل بوده اند. به اعتقاد کارشناسان، پوشاک بارزترین سمبل فرهنگی، مهمترین و مشخص ترین مظهر قومی و نشانه فرهنگی است که به سرعت تحت تاثیر پدیده های فرهنگ پذیری در میان جوامع گوناگون انسانی قرار می گیرد. حتی عده ای را عقیده بر آن است که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری در وهله اول از طریق انتقال پوشاک صورت می گیرد حتی می توان با تغییر پوشاک یک جامعه، نوع معیشت و شیوه تولید آنها را نیز دچار در گرگونی کرد و تغییرات و تحولاتی در ساختار زندگی اجتماعی آن جامعه به وجود آورد. گروه هایی متفاوت انسانی که در مناطق مختلف ایران زندگی می کنند هر کدام دارای ویژگی های قومی برجسته ای بوده تن پوش ویژه ای داشته که معرف قومیت، زبان و سایر مشخصات فرهنگی آنان است. استان چهار فصل گیلان علاوه بر زیبایی های طبیعی، از جلوه ای خاص در پوشاک زنان برخوردار است که با بهره گیری از رنگهای طبیعت در کمال یکرنگی، رنگین کمائی از لطافت زیبایی را با خود به همراه دارد.

طراحی لباس های زیبا فاخر جز میراث فرهنگی این استان به شمار می رود. پوشش حجاب کامل تنوع رنگها و پارچه ها، جلوه خاصی به لباس محلی زنان در این استان بخشیده است رنگ های آن بر طبیعت زیبا و دامنه البرز شمیم نشاط و شادی پخش می کند. زنان روزگار کهن گیلان چشم را به تار و پود پارچه رسوخ دادند و رنگ در رنگ هم تنیدند و با عشقی به پهنای طبیعت زیبای گیلان پوششی رنگین و پر نشانه تهیه کردند. آنها سینه به سینه آموختند، طرح زدند، گوشه به گوشه بقچه های جهیزه را با آن زینت کردند و نسل به نسل به یکدیگر "رنگ" هدیه کردند. امروزه با گذشت زمان لباس های محلی دیگر از رونق افتاده اند و رنگ های شاد آن که امید به زندگی را در دل ها زنده می کرد، به کنج پستوها، صندوق ها بقچه ها خزیده و در پشت بام ها جای گرفته اند و لباس هایی با شکل شمایل غربی جایگزین این لباس ها شده است. لباس های محلی با گذشت زمان از شئون مختلف زندگی همچون اعتقادات، آداب و رسوم، طبقات اجتماعی، شرایط اجتماعی و... اثر پذیرفته است. (رهنمایی، ۱۳۹۳)

در این مقاله اساس جمع آوری اطلاعات بر «مطالعه ی اسنادی» استوار می باشد و پژوهش هایی که در حوزه ی مطالعات اقوام شمال ایران در محدوده ی استان گیلان انجام گرفته مورد رجوع و استفاده قرار گرفته اند. این نوشتار در پی آن است که بیان کند با بهره گیری از قابلیت فرهنگ پوشاک اقوام کهن ایرانی می توان به حفظ فرهنگ رواج میراث های معنوی گذشتگان کمک کرد همچنین لباس محلی گیلان به واسطه تنوع رنگ و نوع پوشش یکی از بهترین انواع لباس های محلی ایران است که باید به عنوان یکی از نشانه های هویت ملی و میراث فرهنگی حفظ ماندگار شود.

۲. جغرافیای فرهنگی

عوامل موثر در تنوع قومی، همان عواملی اند که سبب مرزبندی آنهاست. این عوامل یا عناصر فرهنگی عبارتند از: نام، زبان، دین، آداب و رسوم، موسیقی و رقص، لباس، احساس تعلق و همبستگی و به طور کلی، فرهنگ و تاریخ مشترک. گاهی ممکن است علاوه بر عوامل یاد شده، عوامل طبیعی مانند رودخانه ها، دریاها و کوه ها نیز در مرزبندی اقوام دخالت داشته باشند. (امیری، ۱۳۸۸)

انسان لحاظ جغرافیایی مکانی با محیط زندگی خود ارتباط برقرار می کند. این بستگی جغرافیایی، نقش مهمی در هویت فرهنگی نیز دارد. در واقع؛ همان طور که شرایط اقلیمی در رفتارهای فرهنگی، آداب و رسوم و اخلاقیات افراد، گروه ها و فرهنگ ها تأثیر می گذارد، بر لایه های زیرین فرهنگی که هویت فرهنگی را نیز دربر می گیرد، موثر است. با توجه به ارتباط عمیقی که بین جغرافیا و نمودهای مادی و معنوی فرهنگ برقرار است، می توان جغرافیای فرهنگی را یکی از مهم ترین مولفه های هویت فرهنگی هر کشوری تلقی کرد. (آشنا، روحانی، ۱۳۸۹)

چنانچه مشاهده می شود هریک از اقوام ایرانی به فراخور جغرافیای مکانی که در آن سکونت دارند، آداب و رسوم و آیین هایی خاص خود را دارند که در سایر اقوام مشاهده نمی شود. اقوام استان گیلان دارای تاریخی مختص به خود بوده و در گذر از این تاریخ پر فراز و نشیب خود دارای تغییر و تحولاتی خاص شده اند. از بین اقوام استان گیلان، فقط دو قوم گیلک و تالش دارای تاریخ طولانی از لحاظ حضور در این عرصه جغرافیایی هستند و بقیه علی رغم برخورداری از تاریخ و تمدن طولانی حضور و قدمتی کوتاه و کم سابقه در استان گیلان دارند. (پارسا و شمه سرائی، ۱۳۹۵)

۳. تنوع فرهنگی و قومی گیلان

گیلان، سومین استان ساحلی ایران در کناره ی دریای خزر می باشد. این استان از دوازده شهرستان تشکیل شده است که به ترتیب از شرق به غرب عبارتند از: رودسر، لنگرود، لاهیجان، آستانه اشرفیه، رودبار، شفت، فومن، صومعه سرا، بندرانزلی، تالش و آستارا. نگاهی اجمالی به این استان نشان می دهد که سه گروه عمده ی قومی در آن قابل تفکیک است که عبارتند از: گیلک ها، تالشی ها و تات ها. گیلک ها در شهرستان های شرقی مانند رودسر، لنگرود، آستانه ی اشرفیه، رشت و بندرانزلی، صومعه سرا و شفت اکثریت را تشکیل می دهند. تالشی ها در شهرستان های تالش، فومن، صومعه سرا و مناطق کوهستانی اکثریت را به خود اختصاص داده اند. تات ها در مناطق ییلاقی استان و در همسایگی با تالشی ها، رودبار و جنوب لاهیجان و رودسر که کوهستانی می باشند، قابل مشاهده هستند و بخش اعظم آن ها در شمال قزوین و برخی شهرهای آن ساکنند. البته علاوه بر این سه قوم، دیگر اقوام ایرانی نیز در این استان مشاهده می شوند که آذری ها در آستارا و مناطق ساحلی شهرستان هشتپر و تالش و مناطق کوهستانی آن ساکنند و کردها در بخش عمارلو، رودبار و شمال «هروآباد» زندگی می کنند. (رضایی، ۱۳۸۴)

۴. زبان اقوام گیلان

هرچند مردم گیلان را به زبانی گیلکی می شناسند، اما زبان تالشی به عنوان دومین جمعیت زبانی استان گیلان از اهمیت خاصی از لحاظ تعداد گویشور برخوردار بوده است. مهاجرت اقوام کرد، ترک، تات و لر در دهه های قبل به این استان موجب تغییرات زبانی قابل توجهی در برخی مناطق گیلان شده و زبان اصلی منطقه را به کنار زده است. این تغییرات بیشتر در منطقه غرب گیلان روی داده و در شرق استان به دلیل یک دست بودن زبان گیلکی (البته از تیره گالشها) و نزدیکی زبان محاوره ای مردم غرب استان مازندران، تغییرات زبانی مشاهده نشده است. (پارسا و شمه سرائی، ۱۳۹۵)

زبان گیلک ها: اینو در کتاب ولایت دارالمرز زبان گیلان را گیلکی می داندو می نویسد: گیلکی دارای روشی تند است که کم صداتر از زبان سایر مناطق ایران می باشد و لهجه آن برحسب نقاط مختلف گیلان متفاوت است. در حالی که به ترانه هایی که در فارسی بر مبنای شعری منظم که ترکیبات آن بر طبق قرار دادهای هنری سروده شده است نام تصنیف داده اند. گیلک ها به

یکی از زبان های هندو اروپایی از زبان های شمال غربی ایرانی صحبت می کنند. زبان این قوم زبان گیلکی و محل سکونتشان از غرب به شهرستان رضوانشهر و از شرق به شهرستان نوشهر محدود می شود. (امدادی، ۱۳۹۳)

زبان کردها: زبان کردی که به سه لهجه عمده کرمانجی در نواحی شمال غربی کردستان، سورانی در نواحی جنوب شرقی کردستان و زازا در بخش مرکزی ترکیه تقسیم می شود، از حیث ساختار و ریشه، از شاخه های ایرانی زبان های هندی اروپایی است. از لهجه های دیگر زبان کردی در ایران، می توان به لهجه گورانی و کلهر اشاره کرد. در مجموع زبان کردی در قالب لهجه های خاص آن در عین داشتن زیر ساخت مشترک با زبان های ایرانی، نظیر بلوچی، پشتو و فارسی، گونه خاصی از زبان است که اقوام و گروه های کرد را به هم پیوند می دهد. (حافظ نیا، ۱۳۸۱) رشید یاسمنی مورخ ایرانی، لهجه کرمانجی را شیرین ترین و مقبول ترین لهجه های کردی دانسته و روانی و عدم اختلاط با زبان های بیگانه را از مشخصات برجسته این زبان عنوان کرده است. (پارسا و شمه سرایی، ۱۳۹۵)

زبان تالشی ها: تالشان به زبانی سخن می گویند که مختص آن قوم و موسوم به زبان تالشی است. این زبان از گروه زبان های هند و اروپایی، شاخه شمال غربی ایران می باشد. زبان تالشی به فارسی، تاتی، کردی، گیلکی، تاجیکی، اوسه تینی (آسی)، پشتو و دری نزدیک است. این زبان هم چنین خویشلوند دور زبان های گروه اسلاو بالتیک شامی روسی، اوکراینی، پولیاک (لهستانی)، لیتونی و زبان های آلمانی و انگلیسی و ایسوج (سوئدی) به شمار می آید. زبان تالشی در نواحی کوهستانی آن دیار تنها زبان رایج است اما در نواحی جلگه ای آستارا تا هشتپر جای خود را به ترکی می دهد. در نقاط جنوبی هم با تأثیر و تأثری اندک همزیستی نزدیکی با گیلکی دارد. د چند دهه گذشته به سبب ترکی زبان شدن اهالی آستارا و افزایش میزان ارتباطات بین تالشان و اهالی ترکی زبان آذربایجان و مهاجرت گسترده تر آذربایجانی ها به دیار تالش تسلط فزاینده شان به بازار تجارت این دیار، آهنگ رسوخ و گسترش زبان ترکی در قلمرو رواج زبان تالشی یافته است. (عبدلی، ۱۳۸۰)

زبان تاتی ها: تاتی، از زبان های نو شمال غربی به دو دسته تقسیم شده است، تاتی شمالی که در جمهوری آذربایجان و داغستان و مناطق دیگر رواج دارد، و تاتی جنوبی که مجموعه ای از زبان های تاتی است و در ایران لهجه تاتی این قوم به سبب اختلاط آنها با مردم گیلک زبان اصالت اولیه خود را از دست داده است. می توان گفت که مردم تات در گیلان دو زبانی ساده اند و لهجه آنان به صورت ترکیبی از ترکی و گیلکی رودباری در آمده است. (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴)

در شهرستان رودبار بیشتر ساکنان آن را تات ها تشکیل می دهند، که بومیان منطقه اند و زبان اصلی آنها تاتی است. رودباری ها تاتی را به گویش رودباری تکلم کنند که نزدیکترین گویش به تاتی طارمی، الموتی و طالقانی است. (سایت استانداری گیلان، ۱۳۹۵)

زبان ترک ها: زبان ترکی از خانواده زبانی اورال-آلتایی (ترکی مغولی) می باشد که ۹۰۰ سال پیش وارد منطقه ایران کنونی شده اند. البته یورش ترکان سلجوقی در قرن پنجم هجری و بعداً تهاجم تیمور لنگ و در نهایت استقرار ترکان در ایران باعث استقرار و گسترش زبان ترکی در کشور شده است. (گودرزی، ۱۳۸۴)

زبان لر ها: زبان لری مشتق از زبان پارسی باستان است. راولینسون این واقعیت را حدود ۱۶۰ سال پیش در سفر به لرستان و بختیاری به درستی دریافته بود. بررسی زبان لری در کونی (از بالاگریوه لرستان) که در بخش مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه هاروارد صورت گرفت، حاکی از پیوند نزدیک این زبان با زبان فارسی است. همچنین بررسی ساخت دستوری و واژگانی گویش لری بویراحمدی و فارسی، بیانگر این واقعیت است که هردو از پارسی میانه ساسانی منشعب شده اند. (گودرزی، ۱۳۸۴)

۵. تاریخچه لباس محلی گیلان

ایرانیان از بیش از ۱۰ هزار سال پیش دارای تمدن بوده اند. از این رو ریشه بسیاری از دستاوردهای بشر را در این تمدن می توان یافت. نخستین ابزار ریسندگی و بافندگی در غار کمر بند، نزدیک بهشهر، یافت شده است که به ۷ هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی گردد. به علاوه، در قدیمی ترین بخش های شهر باستانی شوش، که در خوزستان قرار دارد، سوزن های سوراخ دار پیدا شده است. لباس های اولیه از عناصر و اجزای طبیعی مثل پوست و خز حیوانات، علف ها و برگ ها، و استخوان و پوست

درست شده بودند. لباس ها معمولا با وصله و یا با گره به هم وصل می شدند، سوزن های ساده اغلب از استخوان حیوانات درست می شدند، شواهد به جا مانده از چرم های دوخته شده و لباس های خز که از ۳۰۰۰ سال پیش به جا مانده اند، بیانگر این واقعیت هستند.

وقتی فرهنگ مربوط به دوران عصر حجر کشف شد، مزایای الیاف بافته شده بیش تر از پوست حیوانات، تولید پارچه، طراحی و تکنیک های هنر های دستی، به عنوان فناوری های مورد نیاز انسان مشخص شد. تاریخچه لباس شانه به شانه تاریخچه منسوجات پیش می رود. انسان مجبور به اختراع بافندگی، ریسندگی، و روش ها و تکنیک های دیگر شده است، و در نهایت هم مجبور به طراحی دستگاه ها و ماشین آلات مورد نیاز برای تولید پارچه های مورد استفاده برای دوخت لباس شده است. قبل از اختراع ماشین چرخ خیاطی، تقریبا همه لباس ها محلی و دست دوز بودند، خیاط ها در بیشتر شهرها وجود داشتند و لباس ها و وسایل مورد نیاز مشتری ها را می دوختند، پس از اینکه چرخ خیاطی اختراع شد، صنعت عرضه لباس های آماده شکل گرفت. آثار باستانی به دست آمده در سراسر سرزمین گیلان، سوابق زندگی در این منطقه را به بیش از چهار هزار سال می رساند. این آثار خود به عنوان بهترین راهنمای ما برای شناخت چگونگی زندگی پیشینیان ما در این سرزمین عمل می کنند. پوشاک مردم گیلان در گذشته های دور نیز از میان این اشیای به دست آمده قابل شناسایی است.

کهن ترین اسناد مربوط به پوشاک در استان گیلان از یافته های باستان شناسی در تپه مارلیک (چراغعلی تپه) رودبار به دست آمده است. در این اکتشاف طرحی از بانوی گیلانی وجود دارد که هنوز هم در لباس زنان گیلان خصوصا در کوهپایه های شرق گیلان این نشانه ها را می توان یافت. این یافته ها، انواع تزئیناتی که بر روی دامن و پیراهن و پیشانی بند به کار می رفته آن را نشان داده است. طرح چهره یک بانوی گیلک که بر روی یک جام پوسیده مفرغی به دست آمده است، نشان می دهد که زنان گیلان روسری بزرگی بر سر می گذاشتند و با پیشانی بندی که از روی پیشانی عبور می کرد و در پشت سر گره می خورد، روسری را روی سر نگاه می داشتند. این جام مفرغی که از مارلیک به دست آمده است، به بیش از سه هزار سال پیش باز می گردد. همین تصویر نشان می دهد که بقیه روسری روی دوش و سینه قرار می گرفت و دنباله آن دوباره از زیر چانه به طرف بالا کشیده و در کنار گوش به پیشانی بند متصل می شد.

در مجسمه ای طلایی که از مارلیک به دست آمده است، یقه ایستاده بر گردن مجسمه را در دو حلقه زینتی می توان مشاهده کرد. دو نشان متقارن و نیز آویزی با زنجیر بر سینه مجسمه به چشم می خورد. موی سر تزیین شده است و حالتی شکوهمند دارد. همین طرح های قلم زنی روی آثار مفرغی، پوشاک مردان باستانی گیلان را نیز ارائه می نماید؛ کلاهی از جنس پارچه ضخیم یا نمد، پیراهن آستین کوتاه با دامن کوتاه با کمربندی پهن که بر کمر مرد بسته شده است. ابزار رزم گیلانیان نیز در این طرح ها جایگاه ویژه ای داشت و انواع مختلف پیکان، کمان، سرنیزه های بلند و باریک از جنس مفرغ، شمشیرهای بلند و سنگین و سبک مفرغی، سپر مفرغی، کلاه خود، سنج، کمربند و میج بند مفرغی، سرگرزها، دگمه های زینتی طلا و مفرغ و بسیاری وسایل دیگر شناسایی شده است.

در لباس امروز زنان گیلان با وجود گذر چند هزار ساله زمان، ردپای پوشش دیرین مشهود است؛ نوار روی سینه پیراهن در لباس دختران نواحی کوهستانی، چادر کمری با نقش های ماقبل تاریخ که بر روی دامن بلند و پرچین بسته می شود و سربندهایی که به اشکال مختلف بر روی سر و گردن و شانه زنان گیلان قرار می گیرد، همه یاد آور پوشاک نسل های باستان ایران است. یافته های دیگر در نواحی باستانی رستم آباد رودبار، وجود پای افزار را همزمان با سایر انواع لباس در این منطقه نشان می دهد. بنا به عقیده محققان، شکل و تنوع لباس در این منطقه هنوز تداوم اشکال مورد استفاده در دمره متاخر زمانی است و تنها در موارد ناچیزی، چون یراق دوزی و نوار دوزی های پیراهن های زنانه تغییراتی در آنها به وجود آمده است. لباس محلی گیلان میراث جهانی ایرانیان با زیبایی که از روح نیاکان این خاک در آن به امانت مانده است باید به عنوان یک هویت ملی حفظ شود. (میراث فرهنگی استان گیلان، ۱۳۸۷)

۶. پوشاک زنان و مردان گیلان

لباس های محلی زنان گیلان را می توان به سه بخش شرق، غرب و مرکز تقسیم بندی کرد. لباس زنان شرق گیلان به لباس «قاسم آبادی»، لباس زنان غرب گیلان «تالشی» و لباس زنان مرکز گیلان با عنوان «رسوخی» معروف است. لباس «رسوخی» بیشتر در شهر ماسوله دیده می شود که یادگار زمان قاجار است و از شهرهایی مانند زنجان به گیلان رسوخ کرده است. پارچه هایی که در لباس زنان شرق و غرب گیلان به کار می رود نیز متفاوت است. در لباس زنان غرب گیلان متن پارچه های لباسی دارای گل های رنگارنگ و درشت است در حالی که در لباس زنان شرق گیلان زمینه پارچه ساده و یکرنگ است و تزئینات آن از نوار دوزی هایی با رنگهای مختلف تشکیل شده است. هر چه به کوه پایه های گیلان نزدیک تر می شویم، نوع پارچه ضخیم تر میشود. مثلا ساکنان دیلمان بیشتر از پارچه مخمل استفاده می کنند و آنهایی که در جلگه زندگی می کنند، لباس هایشان از جنس ابریشم است. پوشاک در گیلان نیز مانند هر منطقه دیگری معرف اندیشه، سلیقه، نوع کار و معیشت و ارتباط مردمان با طبیعت است. طراحی لباس در این منطقه، کاملاً در زمینه سازگاری با محیط تعریف می شود، چنانکه لباس زن گیلک به شکلی طراحی شده که وقتی او بر اسب می نشیند هیچ نقطه از بدنش پیدا نباشد. علاوه بر سبک کلی لباس، ترکیبات و روش دوخت تن پوش های مردم ناحیه خزر با دیگر مناطق آن قدر متمایز است که این مردم را به خوبی می شناساند. پوشاک مردان در این منطقه از سر پوشهای مردانه (کلاه)، تن پوش، شلوار، شال کمر، کت و پای افزار تشکیل می شود که هر کدام از آنها تقسیم بندی های مختلف و متنوعی دارند. لباس زنان غرب گیلان دارای زیبایی خاص و منحصر به فردی است. (رهنمایی، ۱۳۹۳)

لباس زنان تالشی در نمای کلی و در غربی ترین منطقه تالش شامل روسری یکدست سفید، جلیقه که گاهی با سکه های درشت تزئین می شود، پیراهن بلند تا مچ پا و دامنی که در فارسی شلیته و در زبان محلی شلار نامیده شده و زنان تالشی چند شلار را روی هم می پوشند. بلندی پیراهن و شلیته مشخص کننده بخش های مختلف غرب گیلان است به طور مثال در غربی ترین منطقه تالش (هشتپر) پیراهن بلند و در ماسال پیراهن کوتاه تا بالای زانو می باشد. (رهنمایی، ۱۳۹۳)



تصویر ۱- پوشاک محلی بانوان تالشی (<http://taleshen.ir/>)

لباس زنان شرق گیلان و منطقه قاسم آباد در شهرستان رودسر دارای ویژگی فرهنگی خاصی است. لباس زنان قاسم آباد به دلیل تنوع رنگی زیاد و جذابیت بالا بسیار معروف بوده و عمومیت پیدا کرده است به طوری که نشانه هایی از این لباس در نقاط دیگر جلگه شرق گیلان دیده میشود. این لباس شامل یک روسری زیرین به نام "مندیل" می باشد که به جای آن از کلاه نیز استفاده شده و با تعداد زیادی سکه در قسمت پیشانی تزئین می شود. البته این کلاه مختص قاسم آباد نیست جلیقه آن

مانند جلیقه های دیگر است با این تفاوت که با سکه تزئین می شود. پیراهن قاسم آبادی تفاوت خاصی با پیراهن های نقاط مختلف گیلان دارد. (رهنمایی، ۱۳۹۳)



تصویر ۲- پوشاک محلی بانوان قاسم آباد رودسر (<https://teeteel.ir/>)

لباس های دیلمان نیز بسیار زیبا دوخته می شود. ویژگی های این لباس عبارتند از استفاده از دوخت های ابتدایی که سطح لباس را به حالت گسترده ای با نخ های رنگی و به وسیله دست بخیه ساده می زدند، طرح گل و گلدان و ماه و ستاره که در معماری ایران استفاده می شده از جمله طرح هایی است که به همراه طرح زیگزاگ در این لباس وجود دارد. همچنین در دیلمان نوعی از دامن زنانه با حفظ نشانه های تاریخی آن از پارچه مخمل دوخته می شود. لباس دیلمانی سراسر سکه دوزی شده است. (رهنمایی، ۱۳۹۳)



تصویر ۳- پوشاک محلی بانوان دیلمان (<https://teeteel.ir/>)

به طور کلی لباس محلی بانوان گیلانی به واسطه ی تنوع رنگ و نوع پوشش، یکی از بهترین انواع لباس های محلی ایران است.

تصویر ۴- پوشاک محلی بانوان (رودبار، املش، رودسر) (<https://teeteel.ir/>)

ردپای پوشاک مردم گیلان از گذشته های دور تا سال های معاصر به سختی ممکن است و تنها کلاه نمدی و چموش را می توان بر جای مانده از آن دوران دانست. لباس مردان گیلان عبارتند از : سرپوش مردانه (کلاه)، پیراهن مردانه، جلیقه، شلوار، شال کمر، چوخا (کت)، چموش (پا پوش)

بومیان گیلان زمین، کت پشمین خشن بافتی به نام "چوخا" یا "چوخه" دارند، شلوار آنها معمولی و پشمی است که لیفه ای یا میان ساق است و کلاه نمدی و چموش مکمل لباس آنهاست. پیراهن مردان بیشتر به رنگ قرمز تند یا کمی روشن تر و بدون یقه است. آستین پیراهن راسته و بدون مچ و پیراهن دارای چاک در قسمت راست سینه است. معمولاً اندازه پیراهن بلند نیست. پارچه شلوار مردان گیلک غالباً توسط زنان بافته می شود. یک شال نیز برای پیچیدن روی کمر استفاده می شود که از پارچه دست بافت و با نقوش هندسی و رنگین است. این شال بیشتر در جشن ها و عروسی ها به کار می رود. کلاه مردان نمدی و از پارچه زمخت بافت پشمی است. گالشان (دامداران کوهستانی) کلاهی پوستی دارند و علاوه بر آن از شولا یعنی بالاپوش نمدی و نیمه بلند استفاده می کنند. (رهنمایی، ۱۳۹۳)

تصویر ۵- پوشاک محلی مردان استان گیلان (<https://teeteel.ir/>)

۷. لباس محلی نمادی از فرهنگ اصیل ایرانی

لباس های محلی در معرفی فرهنگ غنی و شناسایی صنایع دستی منطقه نقش زیادی دارد. استان گیلان افزون بر زیبایی های طبیعی از جلوه ای خاص در پوشاک زنان این دیار برخوردار است و طراحی لباس های زیبا و فاخر جزو میراث فرهنگی این استان به شمار می رود. لباس همانند زبان، آداب و رسوم همواره به عنوان نماد فرهنگ و اصالت یک کشور مطرح بوده و هست، چنانکه دامن های مردان اسکاتلندی، ساری زنان هندی، کیمونوی زنان ژاپنی در هر جایی از جهان حضور مردمان آن کشور را

از دیگران متمایز می کند. در ایران امروزی اقوام مختلف ایرانی با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود دارای لباس های مخصوص هستند که برای ایجاد تنوع و خوش آیندی در اقلیم های خشک و یکنواخت و دشت ها و بیابان در انتخاب شکل و رنگ پارچه جامه های خود اغلب به رنگ های شاد و ترکیب های زیبا و دلنواز روی می آورند. زنان گیلانی از روزگار کهن تاکنون رنگ ها را به پهنای طبیعت زیبای گیلان در هم تنیده و پوشش زیبایی را تهیه کردند که هنوز هم زنده است و هر کس با دیدن این لباس به وجد می آید لباسی که با چند رنگ در تار و پود پارچه در آمیخته و با دوخت های متنوع طراحی و آراسته شده است و اما آنچه امروزه در رابطه با سنت های بومی و اصیل ضروری به نظر می رسد احیای لباس های محلی و به روز کردن این لباسها برای استفاده زنان و مردان در جوامع مختلف است. سازگاری لباس های محلی گیلان با طبیعت و نوع زندگی، تنوع این لباس ها و هم چنین انطباق آن با ارزش های معنوی از جمله عوامل پایدار ماندن لباس های محلی گیلان در فرهنگ و پوشش مردم این خطه از ایران است. (اولیایی، ۱۳۹۱)

ثبت مهارت های سنتی صنایع دستی استان گیلان در فهرست میراث فرهنگی ناملموس (میراث معنوی) ملی تاکنون ۵ رشته از رشته های صنایع دستی گیلان در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده اند. مهارت سنتی رشتی دوزی و مهارت سنتی شال بافی گیلان در فهرست ملی میراث فرهنگی ناملموس (میراث معنوی) ثبت گردیدند. در سال ۸۹ مهارت سنتی چادر شب بافی گیلان و پیش از آن پوشاک محلی گیلان و چموش دوزی نیز در این فهرست جای گرفتند. عبارت میراث فرهنگی ناملموس به معنی رفتارها، شیوه های ارائه نمود ها، دانش ها، مهارت ها و نیز وسایل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی منطبق با آنهاست که جوامع، گروه ها و در برخی موارد افراد، آنها را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می شناسند. این میراث فرهنگی ناملموس از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، مدام توسط جوامع و گروهها در پاسخ به محیط، طبیعت و تاریخ آنها مجدد خلق می شود و حسن هویت و استمرار را برایشان به ارمغان آورده و بدین ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می کند. رشته های به ثبت رسیده از جمله صنایع دستی استان گیلان می باشند که برگرفته از تفکرات، باورها، ذوق، سلیقه و هنر مردمان این منطقه و بیانگر فرهنگ و هویت ایشان است. (رهنمایی، ۱۳۹۳)



تصویر ۶- رشتی دوزی و شال بافی (<https://teeteel.ir/>)

۸. ضرورت امروزی کردن پوشاک محلی گیلان

لباس امروز نیز باید گفت، بیشتر از آن که پوششی مناسب باشد، تصویر و تبلیغ و گاه تهاجم فرهنگی و کاملاً بیگانه است. بنابراین آنچه از معنای مد در جامعه ما باید مدنظر قرار گیرد، مدی است که طراحی لباس داشته باشد، آن هم بر اساس فرهنگ غنی ایرانی امروزه، طراحی لباس به دو شیوه انجام می شود: در روش اول مشتری با خرید پارچه ی مناسب با شخصیت خود و نوع کاربرد آن، سفارش طراحی و دوخت می دهد. در این روش از میان طرح های مختلف لباس، بنابر تقاضای مشتری و با رسیدن به اتفاق نظر در مورد مدل لباس، لباس مناسب آماده می شود. این روش به روش «هات کاتر» شهرت دارد. روش دوم طراحان لباس، مدل هایی از لباس را به بازار ارائه می کنند و اشخاص بنا بر سلیقه خود، لباس مناسب خود را خریداری می کنند. قیمت تمام شده لباس در هر دو روش تقریباً مناسب است هر چند هزینه ی دوخت در نوع اول بنا به طراحی لباس، گاه گران تر است. (آداودی، ۱۳۹۲)

طرح اولیه ی لباس نیز گاهی بر روی کاغذ پیاده می شود و گاه با نرم افزار، خیاطان در برخی موارد از الگوی آماده به عنوان الگوی اولیه کمک می گیرند. لباس محلی و سنتی گیلان تاحدودی منسوخ شده و به جز در برخی مراسم های ویژه، در

جای دیگر نشانی از آن دیده نمی شود. پوشش سنتی به عنوان یکی از مؤلفه های هویتی نباید کنار گذاشته شود و لازم است لباس های سنتی گیلانی بر اساس نیاز نسل امروز طراحی شود. به آموزش دوخت لباس های بومی سنتی و یا تلفیقی باید بیشتر توجه شود و نکاتی از لباس محلی که امروزه ناملوموس هستند، بازسازی شوند و به این ترتیب لباس محلی را باید وارد چرخه فرایند تولید پوشاک کرد. لباس های سنتی از رنگ و طراحی های مطلوبی برخوردار و پوشش مناسب نیز دارند اما فرهنگ سازی نشده که از این مدل ها استفاده شود و یا از طرح آنها در طراحی لباس های امروزی الگوبرداری صورت گیرد. چند نکته برای بکارگیری نقوش و طرح های سنتی در پوشاک امروزی - ایجاد فرصت های مطالعاتی و شناخت بیشتر، هنرمندان می توانند با شناخت و آگاهی کامل نسبت به آنچه فرهنگ گذشته ها است، دست به طرح های جدید بزنند. - جلوگیری از رسوخ فرهنگ بیگانه در فرهنگ بومی و محلی هر منطقه است و این امر از طریق آموزش و به کار گیری روش های سازنده و مفید باید انجام شود. - با عرضه لباس های محلی در بازار در واقع می توان حق انتخاب چنین لباس هایی را برای مردم بوجود بیاوریم و با تبلیغ سازنده در این خصوص و بیان مزایای استفاده و بهره گیری چنین لباس هایی در موارد مختلف می توان به ریشه دار شدن فرهنگ بومی در میان نسل جدید امیدوار بود. (بابایی، ۱۳۹۸)

جدول ۱- طرح لباس های امروز با استفاده از طرح و نقش منسوجات سنتی (نگارنده، ۱۴۰۰).

	استفاده از طرح چادرشب در طراحی لباس امروزی، اثر چهرک نریمانی	نمونه ی چادرشب گیلانی	
	استفاده از نقش روی جوراب در طراحی لباس امروزی، اثر چهرک نریمانی	نمونه ای از نقش روی جوراب	
	استفاده از طرح دامن در طراحی لباس امروزی، برگرفته از مجله آرگا	لباس محلی گیلان	
	لباس با طرح سنتی، بهره گرفتن از نقش چادرشب در طراحی لباس امروزی، اثر سیده زهرا همتی	چادرشب محلی گیلان	

۹.

نتیجه گیری

بدون تردید جهان بینی و انسان شناسی هر فرهنگ و مکتب، نقش اساسی و مهمی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد و انسانها به وسیله نوع پوشش بخشی از هویت خود را عرضه می نمایند. پوشاک، بارزترین سمبل فرهنگی، مهمترین و مشخص ترین مظهر قومی و سریع ترین وسیله انتقال فرهنگ یک ملت است که به سرعت تحت تأثیر پدیده های فرهنگ پذیری در میان جوامع گوناگون انسانی قرار می گیرد. حتی عده ای را عقیده بر آن است که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری در وهله اول از طریق انتقال پوشاک صورت می گیرد و حتی می توان با تغییر پوشاک یک جامعه، نوع معیشت و شیوه تولید آنها را نیز دچار دگرگونی نمود و تغییرات و تحولاتی در ساختار زندگی اجتماعی آن جامعه به وجود آورد. مردم استان گیلان به دلیل تنوع اقلیمی طبیعت، علاقه زیادی به تنوع رنگها دارند و به دلیل سرسبزی منطقه و آب و هوای معتدل، رنگ های پرمایه و درخشان را دوست دارند. لباس های سنتی به دلیل تنوع و زیبایی خاصشان می توانند منبع قابل توجهی از اسلام برای طراحان و هنرمندان باشند و حفظ، آراستن و احیای آنها به عنوان بخشی از میراث فرهنگی کشور، سبب افزایش اعتماد به نفس ملی و جلوگیری از بی هویتی نسل جوان می گردد. به همین دلایل، برای انطباق دادن لباس ایرانی با دوران معاصر و در عین حال دوری از تقلید محض از سایر فرهنگ ها، می توان از لباس های سنتی الهام گرفت. احیای لباس های محلی می تواند عاملی برای گسترش فرهنگ پوشش این منطقه باشد، اما اکنون این لباس ها یا در کنج صندوقچه ها هستند، یا تن پوش عروسک های تزئینی شده اند. اقوام مختلفی در گیلان زندگی می کنند که هر یک پوشش ویژه قوم خود را دارند اما در مجموع این پوشاک دارای مشابهت های ساختاری هستند. کاربردی کردن طرح ها و نقوش پوشاک محلی و سنتی در لباس های امروزی و تشویق و ترغیب مردان و زنان به استفاده از این نوع پوشش می تواند به ترویج آن بیانجامد. پوشش محلی زنان گیلان سرشار از نشانه هایی است که حمایت در طراحی آنها می تواند نسل نو را از گرایش به عناصر و المان های غربی به طور آگاهانه دور کند. این تحقیق با این امید انجام شد که شاید تلنگری باشد برای نسل جوان متخصص که با بررسی و الهام گرفتن و ایجاد تغییرات در سایر هنرهای دستی می توان هم به حفظ و ماندگاری شان و هم به اشاعه آن در جامعه امروز کمک کرد تا ریشه هایمان در خاک خودمان رشد کند.

۱۱. پیشنهادات

یکی از نمادهای فرهنگ و هنر غنی ایرانی، در ارزش ها و هنرهای قومی نهفته است؛ بازشناسی، تقویت و آراستن این هنر ها، موجب ماندگاری و احیای مجدد آنها می گردد. در عین حال، بروز ساختن آنها پویایی را در این عرصه رقم می زند و مهم تر از همه این که در عصر و ارتباطات و جهانی شدن، ما را از تقلید محض که معضلی فرهنگی - اجتماعی است، دور نگه می دارد. تلفیق هنر سنتی و مدرن در پوشاک، و نوآوری هایی به همراه دارد که بر جاذبه و بازار پسندی لباس می افزاید. و از آنجا که علاقه ذاتی انسان به زیبایی و نوآوری، شادابی را به ارمغان می آورد، تولید کنندگان و طراحان لباس با بکارگیری خلاقیت، در کنار زیبایی بصری و رنگ های شاداب و نیز راحتی در این لباس های تلفیقی، می توانند توجه جوانان را جلب نمایند. همچنین لباس هایی برگرفته از و هنر و فرهنگ ایرانی، سبب افزایش اعتماد به نفس ملی و جلوگیری از بی هویتی نسل جوان می گردد.

برای حفظ و معرفی لباس های محلی منطقه راه کارهای زیر پیشنهاد می شود :

- ✓ برگزاری تورهای یک روزه با تاکید بر جایگاه لباس های محلی منطقه
- ✓ استفاده از لباس های محلی به عنوان یک برند گردشگری
- ✓ برگزاری جشنواره و نمایشگاه های لباس های محلی به صورت دائمی در زمان های مشخص
- ✓ حمایت از تولید کنندگان و هنرمندان این رشته هنری و ارائه تسهیلات و امکانات مورد نیاز به آنها
- ✓ تبلیغات و اطلاع رسانی مناسب با هدف معرفی لباسهای محلی و معرفی مراحل تولید
- ✓ استفاده راهنمایان گردشگری از لباس محلی در منطقه
- ✓ ایجاد موزه های تخصصی لباس های محلی

منابع و مراجع

۱. آداودی مریم (۱۳۹۲). روند مد طراحی لباس در طول قرن بیستم. نساجی امروز، شماره ۱۳۶. ص: ۷۰ - ۶۳.
۲. آشنا، حسام الدین، روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹). هویت فرهنگی ایرانیان؛ از رویکردهای نظری تا مولفه های بنیادی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، ش ۴: ۱۸۵ - ۱۵۷.
۳. اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴). کتاب گیلان، گروه پژوهشگران ایران.
۴. اولیایی، علی اکبر (۱۳۹۱). لباس زنان گیلانی، گروه پژوهشگران ایران.
۵. امدادی، فرزاد (۱۳۹۳). تاثیر اقوام بر نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی در سه دوره اخیر غرب گیلان، رشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
۶. بابایی، سارا (۱۳۹۸). کنفرانس ملی مهندسی نساجی، پوشاک مُد، نشر جامعه نگر.
۷. پارسا وشمه سرایی، مهدی (۱۳۹۵). تحلیل جغرافیای سیاسی اقوام استان گیلان، همایش آمایش سرزمین، جایگاه خزر و چشم انداز توسعه گیلان.
۸. رضایی، احمد (۱۳۸۴). تنوع فرهنگی در استان گیلان، فصلنامه مطالعات ملی؛ ۲۱، سال ششم، شماره ۱.
۹. رهنمایی، سهیلا (۱۳۹۳). لباس محلی نمادی از فرهنگ و هویت ملی (مطالعه موردی: استان گیلان)، اولین همایش ملی گردشگری، درآمد و فرصت.
۱۰. شفا، ملیحه (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل تنوع فرم و رنگ پوشاک محلی بانوان گیلان به منظور باز نمود در طراحی مانتو بانوان جوان ایرانی، مجله علوم و فناوری نساجی، شماره ۸، ص: ۱۵ - ۵.
۱۱. صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۲. عبدلی، علی (۱۳۸۰). فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۱۳. عبدلی، علی (۱۳۹۱). تالشان کیستند، چاپ اول، نشر جامعه نگر.
۱۴. گودرزی، حسین (۱۳۸۴). گفتارهایی درباره جامعه شناسی هویت در ایران، تهران، انتشارات موسسه مطالعات ملی.
۱۵. مرادی، علیرضا (۱۳۹۴). هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تاثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان، فصلنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۸۴، ص: ۱۴۴ - ۱۲۸.
۱۶. سایت استانداری گیلان، ۱۳۹۵، <https://www.gilan.ir>.
۱۷. سایت میراث فرهنگی استان گیلان، ۱۳۸۷، <https://www.mc.th.ir>.